

نهضت امام خمینی (س)

و

دولت اسدالله علم

فرزاد سلیمانی

معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

سرشناسه

: سلیمانی، فرزاد، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور

: نهضت امام خمینی (س) و دولت اسدالله علم / فرزاد سلیمانی.

مشخصات نشر

: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۷.

: ی، ۳۷۹ ص.

شابک

: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۲-۵۰۵-۰

یادداشت

: کتابنامه ص: ۳۶۹ - ۳۷۹؛ همچنین بصورت زیر نویس.

موضوع

: علم، امیر اسدالله، ۱۲۹۸-۱۳۵۷ / سیاستمداران ایرانی / ایران -- تاریخ -- بهاری، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ -- جنبش‌ها و قیام‌ها

شناسه افزوده

: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، معاونت پژوهشی / مؤسسه چاپ و نشر عروج.

رده‌بندی کنگره

: ۸ س ۱۴۸۶ / ۴۸ DSR

رده‌بندی دیوئی

: ۹۵۵ / ۰۸۲۴۰۹۲

: ۵۲۸۱۸۴۰

کتاب ۳۱۰



مؤسسه چاپ و نشر عروج

نهضت امام خمینی (س) و دولت اسدالله علم

تألیف: فرزاد سلیمانی

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۴۰۰۰ تومان

• فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فجررازی، پاساژ ظروفچی، تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۱ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: • امور نمایندگیها و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

• امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

• فروشگاه مجازی مؤسسه عروج www.oroujpub.com

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

<http://imam-khomeini.ir>

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: زندگینامه اجتماعی و سیاسی خاندان عَلم.....	۱
پیشینه خانوادگی و خاستگاه اجتماعی آیت‌الله عَلم.....	۳
خاندان اسدالله عَلم در دوران پهلوی اول.....	۱۰
تولد و تحصیلات اسدالله عَلم.....	۱۸
تکوین شخصیت سیاسی عَلم.....	۲۰
فصل دوم: ایران از سقوط دیکتاتوری تا سقوط دموکراسی (۱۳۱۰-۱۳۳۲ش).....	۲۳
دوران اشغال (۱۳۲۰-۱۳۲۵).....	۲۵
اوضاع اجتماعی و سیاسی.....	۳۵
ورود عَلم به دربار پهلوی دوم.....	۴۱
عَلم از پیشخدمتی تا وزارت.....	۴۶
کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش.....	۶۰

فصل سوم: عَلم از کودتای امریکایی - انگلیسی تا اصلاحات امریکایی (۱۳۳۲-۱۳۴۱) ۶۳

- ۶۵..... عَلم پس از کودتا.....
- ۶۹..... عَلم، وزیر کشور در دولت حسین علاء.....
- ۷۳..... نمایش عَلم در دموکراسی شاهانه.....
- ۷۶..... عَلم و رهبری حزب مردم.....
- ۸۱..... فعالیت‌های انتخاباتی مجلس بیستم حزب ملیون و مردم.....
- ۸۵..... تخلفات انتخاباتی حزب ملیون و مردم.....
- ۹۳..... انتخابات به فرجام پایان دولت اقبال.....
- ۹۷..... دولت جعفر شریف امامی.....
- ۹۸..... تلاش عَلم برای سرنگونی دولت علی امینی.....

فصل چهارم: بیست‌ماه نخست‌روزی (تیر ۱۳۴۱ - اسفند ۱۳۴۲ش) ۱۰۳

- ۱۰۵..... مرجعیت و سیاست (از تعامل تا تقابل ۱۳۰۰ - ۱۳۴۱ش).....
- ۱۰۹..... شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزة علمیه قم).....
- ۱۱۸..... آیت‌الله العظمی سید محمدحسین بروجردی.....
- ۱۲۶..... مواضع سیاسی حاج آقا روح‌الله خمینی در دوره پهلوی اول.....
- ۱۳۸..... روابط ایران و امریکا در دوره پهلوی دوم.....
- ۱۴۳..... نخست‌وزیری اسدالله عَلم.....
- ۱۴۹..... کابینه‌های اسدالله عَلم.....
- ۱۵۸..... از لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی تا فرارندوم لوایح شش‌گانه.....
- ۱۸۷..... از انقلاب "شاه - ملت" تا قیام آیت‌الله خمینی.....
- ۱۹۰..... گفتگوهای غیر مستقیم مقامات روحانی با شاه.....
- ۱۹۶..... مواضع آیت‌الله خمینی در مورد لوایح شش‌گانه.....

۲۱۱.....	اعتصاب روحانیون در ماه رمضان (بهمن ۱۳۴۱).....
۲۱۸.....	حمله رژیم به مدرسه فیضیه قم و حوزه طالبیه تبریز در فروردین ۱۳۴۲ش.....
۲۲۵.....	بازتاب حادثه فیضیه در محافل مذهبی.....
۲۳۰.....	نقش دانشجویان دانشگاه تهران در اوایل نهضت اسلامی.....
۲۳۳.....	دستور مراقبت، هوشیاری و شدت عمل.....
۲۳۹.....	محرم خونیر (خرداد ۱۳۴۲).....
۲۶۲.....	سرکوب پیام ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ش.....
۲۸۳.....	پرونده سازی برای امام حسین.....
۲۸۹.....	شهدای قیام ۱۵ خرداد.....
۲۹۳.....	موج اعتصاب و اعتراض.....
۲۹۶.....	مهاجرت علما به تهران و ری.....
۳۰۸.....	عَلَم پس از نخست وزیری.....
۳۱۹.....	سخن پایانی.....
۳۲۱.....	اسناد و تصاویر.....
۳۶۹.....	فهرست منابع.....

پیشگفتار

در مورد اسدالله غلم با توجه به ارتباط و حضور طولانی وی در دربار و نیز شخصیت تأثیرگذارش بر محمد مصدق، ملوی کتاب‌های زیادی در داخل و خارج از کشور منتشر شده است که در این میان دست‌نوشته‌های خود غلم از لحاظ اهمیت وقایع، مهم‌تر از دیگران است.

غلم قریب به ده سال، هر روز خاطرات خود را به صورت محرمانه و در دفترهای جداگانه به دور از چشم محمدرضا شاه ثبت و ضبط می‌کرد. با توجه به وصیت وی، پس از گذشت ده سال از انقلاب اسلامی و دگرگونی نظام سیاسی ایران، خانواده غلم مصمم شدند تا علینقی عالیخانی^۱، وزیر اقتصاد دولت غلم، که وابسته نزدیکی با خانواده او داشت ویرایش یادداشت‌ها و ترتیب انتشار آنها را فراهم کند. عالیخانی متن کامل دست‌نوشته‌ها را در مجلدات جداگانه در شش جلد چاپ و منتشر کرد. در این دست

۱. دکتر علینقی عالیخانی متولد ۱۳۰۷ از سیاستمداران حکومت پهلوی که با توجه به حساس بودن مسئله اقتصاد و در اوایل دهه چهل و ادغام دو وزارت بازرگانی و صنعت و ایجاد وزارت اقتصاد، به وزارت اقتصاد گماشته شد. او تا سال ۱۳۴۸ وزارت اقتصاد را برعهده داشت.

۲. عالیخانی در ابتدا خلاصه‌ای از مطالب این مجموعه را که به گفته خویش در حدود چهار هزار صفحه است، به انگلیسی ترجمه می‌کند تا در اختیار انگلیسی‌زبانان قرار گیرد. در بهار ۱۳۷۱، گروه مترجمان انتشارات طرح نو متن انگلیسی را به فارسی ترجمه و در دو جلد با عنوان «گفتگوهای من با شاه؛ خاطرات محرمانه امیراسدالله غلم» در ایران منتشر می‌کنند. با این حال عالیخانی مصمم به انتشار متن کامل یادداشت‌های غلم می‌شود.

نوشته‌ها اگر چه نکات مثبتی به صورت روزشمار و گزارشی از دو دهه واپسین حکومت پهلوی، وضعیت دربار و شخص شاه ارائه شده است، اما در مورد آنچه مربوط به اوج فعالیت سیاسی غلم است، یعنی دوره بیست‌ماهه نخست‌وزیری او، که ما در این نوشته از آن به عنوان «دولت اسدالله غلم و نهضت امام خمینی (س)» یاد می‌کنیم به تفصیل مطالب ذکر نشده و فقط به اشاراتی پراکنده و گذرا در لا به لای خاطرات اکتفا شده است. ویراستار مجموعه مذکور در مقدمه‌ای که بر یادداشت‌های غلم نوشته اظهار داشته: «مجلد دیگری هم از این یادداشت‌ها موجود بوده که متأسفانه به بانک سپرده نشده است.»^۱ با این حال جا. هفتم یادداشت‌های غلم که مربوط به وقایع سالهای ۱۳۴۷-۱۳۴۶ ش است، در مجلد جداگانه‌ای اخیراً توسط همان انتشارات منتشر شده است.

یادداشت‌های منتشر شده و در حال انتشار غلم، تماماً مربوط به دوره یازده‌ساله وزارت دربار است و بیست و هفده دران نخست‌وزیری و ریاست دانشگاه پهلوی شیراز وی را در بر نمی‌گیرد.^۲ البته در میان یادداشت‌هایش در یک مورد، ضمن بحث راجع به

۱. غلم، امیراسدالله، یادداشت‌های غلم، ویراستار علی‌نقی، بیخانی، جا. اول، چاپ ششم، تهران، مازیار و معین، ۱۳۸۵، ص ۹.

۲. غلم خاطرات خود را به صورت مجرمانه می‌نویسد و گفته شده که «بعضی از دفتر آنها را به بانکی در سوئیس می‌سپرده است. خود او می‌گوید: «من این یادداشتها را از ماه پنجم یا ششم وزارت دربارم شروع کردم.» ن.ک: غلم، امیر اسدالله، یادداشت‌های غلم، جلد هفتم، تهران، کتابسرا، ۱۳۹۳. و حین زان این بوده است که این یادداشت‌ها روزی چاپ شود که هیچ کس از خاندان پهلوی در ایران حاکم نباشد؛^۱ به دفترم رودی که همه زندگی من در دست اوست وصیت می‌کنم که مبدا خدای نکرده این یادداشتها را در موقعی که شاه و من یا یکی از ما زنده باشیم منتشر کند. یا خدای نکرده موقعی که کوچکترین خطری برای رژیم در بر داشته باشد. به هر صورت، بعد آنها را منتشر سازد. اگر خودش نتوانست، اولادش انشاءالله این کار را بکنند. ژنو، شانزدهم دی‌ماه ۱۳۴۶ مطابق ششم ژانویه ۱۹۶۸ه. همان، ص ۱۶۸. با این حال رژیم پهلوی کمتر از یکسال پس از مرگ غلم سقوط کرد و امکان انتشار آن یادداشت‌ها بسی زودتر فراهم گردید. از یادداشت‌های غلم تاکنون هفت مجلد به شرح زیر به چاپ رسیده است.

مجلد اول (۱۳۴۷/۱/۲۴ - ۱۳۴۸/۱۲/۲۹)؛ مجلد دوم (۱۳۴۹/۱/۱ - ۱۳۵۱/۱۲/۲۱)؛ مجلد سوم (۱۳۵۲)؛ مجلد چهارم (۱۳۵۳)؛ مجلد پنجم (۱۳۵۴)؛ مجلد ششم (۱۳۵۵-۱۳۵۶) و مجلد هفتم (۱۳۴۶-۱۳۴۷). آخرین مجلد، یعنی جلد هفتم از حیث ترتیب زمانی، اولین دفتر خاطرات علم است که وقایع اول اردیبهشت ۱۳۴۶ تا بیست و

اصلاحات ارضی که با خونریزی و شدت عمل به پایان رسیده، اشاره می‌کند: «آنوقت من نخست‌وزیر بودم که شرح این مآوِقع را اگر بازنشسته شدم و فرصت به دستم آمد مشروحاً خواهم نوشت.»^۱ در یک مورد دیگر نیز می‌نویسد: «امسال بد شروع شد چون ناچار به سوزاندن کتابچه یادداشت‌هایم شدم.»^۲

در داخل کشور نیز برخی از محققین و مورخین در مورد اسدالله عَلم کتابهایی نوشته‌اند که در این میان محمود طلوعی و مظفر شاهدهی بیش از دیگران کوشیده‌اند. آنها در کتاب‌های خود اگرچه بررسی دقیقی از زندگانی سیاسی خاندان و حیات سیاسی عَلم کرده‌اند، اما در مورد نوع رخ‌رود عَلم با نهضت امام خمینی و دوران نخست‌وزیری او به اشارات گذرا اکتفا کرده‌اند. کتاب نیمه پنهان نیز که به همت دفتر مطالعات کیهان منتشر شده است به اشاراتی از دوره نخست‌وزیری عَلم اکتفا کرده است. با این حال برای تدوین این اثر، از منابع مذکور به بهره جموعه سندی که تحت عنوان "اسنادی از نهضت امام خمینی" اخیراً در مرکز اسناد و اسناد ریاست جمهوری توسط نشر جمهور ایران منتشر شده است بهره گرفته شده است.

ضرورت تبیین، بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری حوادث سالهای نخستین انقلاب اسلامی و نیز چگونگی رویارویی کارگزاران رژیم پهلوی با نهضت اسلامی با توجه به اینکه هیچ منبع مستقلی در این خصوص تاکنون منتشر نشده است، ایجاب می‌کند که این نوشته به بررسی و واکاوی وقایع این برهه مهم تاریخی اختصاص یابد و این خلأ تاریخی پر شود.

اسدالله عَلم از مهمترین رجال سیاسی دوره پهلوی دوم بود، فردی که پیشینه خانوادگی‌اش حاکی از وابستگی به انگلیسی‌هاست و با سرکوب قیام ۱۵ خرداد سلطنت پهلوی دوم را بیش از یک دهه حفظ کرد. وی آخرین شخصیت قدرتمند و قابل‌اعتنای

یکم بهمن‌ماه ۱۳۴۷ را در خود دارد.

۱. عَلم، امیر اسدالله، یادداشت‌های عَلم، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، مازیار و معین، ۱۳۸۵، ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۱۶.

خاندان عَلم در شرق ایران بود که به خاطر نفوذ پدرش به عنوان دوست صمیمی رضاشاه و وزیر پست و تلگراف با توصیه وی در دانشکده کشاورزی کرج مشغول به تحصیل و پس از اخذ لیسانس کشاورزی باز به توصیه رضاشاه با دختر قوام‌الملک شیرازی در سال ۱۳۱۸ش ازدواج و از این طریق به دربار راه یافت و با این رفت و آمد، بین او و ولیعهد (محمدرضا پهلوی) که هم سن بودند، دوستی و ارتباط نزدیک و دیرپایی به وجود آمد که تا پایان زندگی عَلم در سال ۱۳۵۶ش ادامه داشت.

پس از سقوط رضاشاه، عَلم به عنوان دوست و همبازی دوران نوجوانی ولیعهد، خیلی زود مورد توجه شاه جوان قرار گرفت و اولین سمت خود را به عنوان پیش‌خدمت مخصوص در ر شرح و سپس توسط احمد قوام (نخست‌وزیر) حدود سه‌سال فرماندار کل سیستان و بلوچستان شد. رعایت شاه به فرماندار کل موجب شد تا از اواخر سال ۱۳۲۷ش در حالی که سرزنش‌های زیادی در وزارت کشاورزی، کشور و کار به عنوان عامل شاه در کابینه‌های محمدا ساعدمراغه‌ای، علی منصور، حاجعلی رزم‌آرا و حسین علاء حضور مؤثر پیدا کند. او که به واسطه خصوصیات شخصی خود به زودی در جایگاه مورد اعتمادترین و نزدیکترین افراد به شاه قرار گرفت، به نوعی رابط شاه با کابینه‌ها و در واقع خبررسان تحولات و اقدامات بود که گاهی دور از اطلاع شاه صورت عملی به خود می‌گرفت.^۱ بدین ترتیب اسدالله عَلم که اعتماد شاه نسبت به او روندی

۱. در سالهای اولیه سلطنت محمدرضاشاه، اداره امور کشور به دست سیاستمداران بود که اگرچه به اهمیت نظام شاهنشاهی برای حفظ کشور آگاه بودند، ولی چندان به شاه جوان اعتنایی نداشتند حتی در وزارت جنگ و ارتش با آنکه شاه رسماً فرمانده نیروهای مسلح بود، وزیر جنگ با نظر او انتخاب نمی‌شد. محمدعلی فروغی و احمد قوام از این دست سیاستمداران بودند. قوام حتی به صورت ظاهری هم به او اعتنا نمی‌کرد. گویا هنگامی که برای نخستین بار پیش از نخست‌وزیری (۱۳۲۱) به دیدار شاه رفته، نخستین سخنانش به او این بود: «ماشاء الله چقدر بزرگ شده‌اید!» این یادآور اشاره‌ای بود به بیست‌سال پیش از آن، هنگامی که قوام نخست‌وزیر، رضاخان، سردار سپه و شاه کودکی سه‌ساله بود. البته سردی روابط آن دو مانع از دست کم گرفتن این سیاستمدار کهنه‌کار توسط شاه جوان نبود به طوری که پس از موفقیت قوام در مذاکره با شوروی در مرداد ۱۳۲۵ش راجع به بحران آذربایجان و کردستان، شاه به او لقب «جناب اشرف» داد. لقبی که پیش از این رضاشاه فقط به عبدالحسین تیمورتاش به خاطر لیاقت به او اعطا کرده بود. اما دیری نگذشت وقتی که قوام شهادت به خرج داد و علیه ایجاد

روزافزون پیدا می‌کرد در شکل‌دادن به بسیاری از مسائل مهم سیاسی و فرهنگی نقش درجه اول و تعیین‌کننده‌ای بر عهده گرفت.

تجارب سیاسی و اجتماعی و اداری غلم و اعتماد شاه به وی در این دوران موجب شد تا بعدها در امور سیاسی داخلی کشور بیش از دیگران شاه را هدایت و برای تغییرات مهم به او خط‌مشی دهد. او بیش از سه دهه محرم اسرار شاه بود و هیچکس دیگری از چنین اعتمادی برخوردار نبود. در مسائل خارجی نیز با توجه به سابقه تاریخی ارتباط خاندانش با انگلیس، ارتباطات گسترده‌ای با شخصیت‌ها و مأموران سیاسی سایر کشورها برقرار کرد و در این زمینه نیز مشاور اصلی شاه تلقی می‌گردید.

غلم در دوران خدمت‌ش به محمدرضا وفادار بود و بزرگترین وظیفه خود را حفظ و صیانت از شاه می‌دانست. وفای دربار داشت ۴ اردیبهشت ۱۳۴۶ از شاه یاد می‌کند چنین می‌نویسد:

خدا به شاه من عمر بداد، فرموده است که خدا برای این کشور فرستاده، نمی‌دانم اگر روزی زودتر از من درگذرد این عرض و قدرت را خواهم داشت که به زندگی خودم پایان بدهم؟^۱

و زمانی که جرج ماک گاورن، سناتور امریکایی راجع به ادامه کار غلم پس از مرگ شاهنشاه از او سؤال می‌کند، غلم اظهار می‌دارد:

وجود من بعد از شاهنشاه دیگر هیچ تأثیری نخواهد داشت. چون خودم نیست و

مجلس مؤسسان (۱۳۲۸) در نتیجه سوء قصد به محمدرضا به منظور افزایش اختیارات شاه موضع گرفت و طی نامه‌ای خطاب به وی او را از قدرت‌طلبی بر حذر داشت، شاه به ابراهیم حکیمی (وزیر دربار) دستور داد پاسخ تندی به او دهد و لقبش را بازپس گیرد: «... چون خود موجب شده‌اید پرده از روی اعمال و افعال فاسدت‌آمیز شما برداشته شود بالطبع صلاحیت داشتن خطاب حضرت اشرف را فاقد می‌شوید، بدین جهت بر حسب فرمان مطاع مبارک، از این تاریخ، عنوان مذکور از شما سلب می‌شود.» غلم، امیراسدالله، یادداشت های غلم، جلد هفتم، صص ۷-۱۴.

۱. غلم، امیراسدالله، یادداشت‌های غلم، جلد ششم، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۷، ص ۴۲.

۲. همان، جلد هفتم، کتابسرا، ۱۳۹۲، ص ۲۸.

نابود می شوم و بعد از او نمی توانم زندگی کنم. بر فرض که زنده بمانم و امیدوارم که نمانم، منشأ هیچ اثری نمی توانم باشم، چون دیگر روحیه نخواهم داشت.^۱

وی در ادامه می افزاید:

من مرد سیاسی نیستم روی علاقه به شاه خدمت می کنم و می دانم که این خدمت به وطن است. ولی بعد از او زندگی برایم مفهوم ندارد.^۲

او همچنین در وصیت نامه خود می نویسد:

او خدا می خواهم مرا قبل از شاه ببرد، چون بعد از او زندگی برای من معنی نخواهد داشت.^۳

در مقابل همین احسان شاه نیز نسبت به غلم داشت. شاه نیز به شدت به وزیر دربار خود وابسته بود. اینکه او نیز آرزو می کند: لااقل چند سالی غلم پس از مرگش زنده بماند تا بتواند به کمکش کند. چون مثل او کسی را ندارد.^۴ شاه حتی در گفتگو با محارم خود بر این آرزو تاکید مکرر^۵.

اعتقاد قلبی غلم به شاه موجب شده بود تا خود را فقط مجری اوامر ملوکانه بداند، از این رو می توانیم از غلم به عنوان نزدیک ترین دوست شاه و فردی که بیشترین نقش را در تثبیت سلطنت پهلوی داشت، یاد کنیم. او مورد اعتمادترین شخص به محمدرضا بود که مأموریت های محوله را با موفقیت انجام داده و در چند دهه های سیاسی دوران سلطنت پهلوی دوم، از جمله: قوام، رزم آرا، دکتر محمد مصدق، نودتا و نخست وزیر سرلشکر فضل الله زاهدی و سالهای پس از آن شاه جوان را یاری داده بود.

۱. همان، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. طلوعی، محمود، چهره واقعی غلم، تهران، نشر غلم، ۱۳۹۲، صص ۶۳۴-۶۳۵.

۴. غلم، امیراسدالله، یادداشت های غلم، جلد دوم، ص ۱۳۹. غلم در یادداشت های خود از این لحظه و پاسخ خود به شاه چنین یاد می کند: «عرض کردم خدمت به ولیعهد افتخار بزرگی است، ولی ماندن یک روز را پس از شما آرزو ندارم و دیگر نتوانستم جلوی گریه خود را بگیرم». غلم، امیراسدالله، یادداشت های غلم، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۲.

۵. همان، ص ۱۵۰.

تجارب عَلم در سمت‌های مختلف و دخالت در حوادث سیاسی به او اطلاعات زیادی داده بود که دامنهٔ سیاسی‌اش، سراسر کشور را می‌پوشاند. فردی که خود را موظف می‌دانست تا شرایطی را به وجود آورد که در آن هر کس در هر مقامی خود را خدمتگزار و نوکر بلاشرط شاه بداند، از این رو بارها در سخنانش تأکید می‌کرد: «نوکر اعلیحضرت همایونی و فرمانبردار اوست.» عَلم تنها کسی بود که آمادگی داشت هر آنچه شاه بخواهد به نحو مطلوب و دلخواه انجام دهد. او همواره تلاش می‌کرد چنین بنمایاند که بیش از هر دولترد و رجال حکومتی دیگر نسبت به شخص شاه و رژیم پهلوی وفاداری دارد.

از نظر باند بازی، وسیع‌ترین باند را در کشور ایجاد کرد. او از اواخر دههٔ ۱۳۲۰ش به بعد توانست همه‌ای از افراد سیاسی، فرهنگی، نظامی و غیره را که به طیف‌های مختلفی علاقه نشان می‌دادند به سلک دوستان و طرفداران خود و رژیم پهلوی و شخص شاه وارد کند، افرادی که در قاعدهٔ سلسلهٔ اطراف عمر سیاسی‌اش در سطوح مختلف با او همکاری و همفکری می‌کردند.

عَلم از سال ۱۳۳۴ تا فروردین ۱۳۳۶ش وزارت کشور را بر عهده داشت و در این دوره استانداران و فرمانداران سراسر کشور را تعویض کرده و عناصر مورد تأیید شاه را جایگزین کرد. از این روی عَلم در همهٔ استان‌ها، ادارات مرکزی و عواملی بود که آنها را به مقام‌های عالی سوق می‌داد و همان‌ها بودند که با تمام وجود در دوران نخست‌وزیری آمادگی اجرای دستورات و فرامینش را داشتند. وی در همین دوره انتخابات مجلس نوزدهم را برگزار و افراد مطیع شاه و خود را به مجلس وارد کرد. پس از تشکیل کابینهٔ دکتر منوچهر اقبال در فروردین ۱۳۳۶ش، عَلم در ۲۷ اردیبهشت همان سال «حزب مردم» را تشکیل داد. اما ریاست وی بر این حزب تنها تا پایان دوران نخست‌وزیری اقبال یعنی شهریور ۱۳۳۹ش دوام یافت و به دنبال تقلب‌ها و تخلف‌های گسترده انتخابات تابستان ۱۳۳۹ش مجبور به استعفا از دبیرکلی حزب مردم شد.

عَلم از تیر ۱۳۴۱ش تا اسفند ۱۳۴۲ش در یک برههٔ بسیار حساس و بحرانی به مدت بیست‌ماه بر مسند نخست‌وزیری تکیه زد. در آن برهه شاه از نگاه خود به بسیاری از

مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی پایان داده و با سرکوب مخالفین، به گونه‌ای فزاینده در روش استبدادی و خودکامه حکومت گام نهاده و به ویژه دولت، مجلس و مجموعه حاکمیت را مقهور اراده و خواسته خود ساخته بود. در چنین شرایطی بود که حضور دوست دیرینه و مورد اعتمادش در رأس دولت، که اصلی‌ترین وظیفه خود را رضایت خاطر مخدوم می‌دانست، احساس می‌شد. در سال ۱۳۴۱ش در پی مخالفت شاه با درخواست امینی مبنی بر کاستن بودجه ارتش، شاه او را کنار گذاشت و بدون تعلل غلم را در حالی که ۴۳ سال بیشتر نداشت به نخست‌وزیری برگزید.

غلم نیمه‌تربیده مورد اعتمادترین دوست شاه و بزرگترین بازیگر پهلوی دوم از ابتدای دهه چهارم بود. بیج ایرانی دیگری به اندازه او به شاه نزدیک نبود، شاه اغلب مسائل محرمانه و اختلالات خانوادگی را با وی در میان می‌گذاشت و حرف‌پذیری زیادی از او داشت، طی حکومت پهلوی دوم وی با نفوذترین فرد در سیاست و حکومت بود و شاه خود را مدیون خدمات صادقانه و خالصانه و فداکاریهای زیاد او می‌دانست. وفاداری‌های علم به شاه تا آن حد بود که سالهای سال وی فرصت کمی برای زندگی خود و خانواده‌اش داشت. یادداشتهای غلم این نظر را تأیید می‌کنند.

در ابتدای دهه چهل که مخالفین سرکوب شدند، نخست‌وزیرانی روی کار آمده بودند که مطیع اوامر ملوکانه بوده، شاه در مسیر دیکتاتوری کاملاً بر می‌داشت و لازم بود تغییراتی به نفع او صورت گیرد. شاه برای کسب وجهه و محبوبیت در بین مردم به عنوان رهبری ملی نیاز می‌دید تا مالکان و روحانیون را به عنوان گروهی را که مطیع او بود. غلم با درک این موقعیت از هیچ کوششی برای به ثمر رسیدن اهداف مورد نظر فروگذار نبود.

غلم به خوبی واقف بود که شرایط دشواری را در پیش خواهد داشت. وی سعی در اثبات این مسأله داشت که شاه تنها مصلح و دادگستر ایران است و در این راه از شیوه‌های مختلف تزویر، تطمیع، تهدید و خشونت بهره گرفت. مأموریت وی نه تنها در دوران بیست‌ماهه نخست‌وزیری‌اش بلکه در تمام عمر سیاسی، تحکیم موقعیت سلسله

پهلوی بود و بر آن بود تا شرایط لازم را برای مشروعیت بخشیدن به آن فراهم آورد. عَلم اقدامات اجرایی خود را در دوران نخست‌وزیری با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی شروع کرد. لایحه‌ای که اگر چه با عقب‌نشینی همراه بود ولی در نهایت به قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ انجامید.

مهمترین وقایع زمان نخست‌وزیری عَلم حمله به مدرسه فیضیه، دستگیری، زندان، تبعید، سر بازگویی طلاب و به ویژه قیام ۱۵ خرداد بود که گذشته از چگونگی حادثه، علل و عوامل آن، بی شک نقش عَلم در آنها بسیار مؤثر بود. روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در شهرهای قم، تهران، برخی شهرهای دیگر روحانیون، بازاریان و دیگر اقشار مردم به دنبال بازداشت امام خمینی، آیت‌الله قمی، علما و فقهای دیگر دست به تظاهرات زده و با انتشار شعارهایی علیه دولت به راهپیمایی پرداختند. دولت عَلم به سرکوبی تظاهرکنندگان پرداخت و به روی آنها آتش گسود. د خور آتش و کشتار خونین از نظر عَلم تنها راه فرونشاندن بحران موجود بود. عَلم با سرکوب گسترده توانست از گسترش دامنه قیام به سایر مناطق کشور جلوگیری و یکی دیگر از درگترین خدمات خود را به شاه و رژیم پهلوی ثبت کند. نحوه تربیت محیطی که در آن رشد کرد، بود و روحیات ایلایاتی که داشت و نیز اطمینان از حمایت امریکا و انگلیس به او - قدرت داد تا با استفاده از زور و برخورد قهرآمیز قیام ۱۵ خرداد را سرکوب کند، سرکوبی که با هم خشونت‌های انجام شده برخلاف انتظار کارگزاران برای مدت کوتاهی فقط نقش تسکین را داشت و روند سقوط رژیم را تسریع کرد. پایان دوره نخست‌وزیری عَلم، پایان دهه‌ای بود که از تاریخ ایران بود که با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد و با سرکوب روحانیون و قیام خردادماه ۱۳۴۲ پایان یافت.

عَلم پس از استعفا از نخست‌وزیری سه سال ریاست دانشگاه پهلوی را برعهده داشت. به زعم رژیم، حال که عَلم، آزمون شدت عمل را با موفقیت گذرانده بود لازم بود در رقابت با دانشگاه تهران دانشگاهی را در شیراز با نام خاندان پهلوی و حمایت مستقیم شاه تأسیس کند تا از آن بتوان برای سایر دانشگاه‌ها الگو برداری شود. چه اینکه دانشگاه

تهران را اگرچه رضاشاه بنیان نهاده بود، اما در نبود احزاب مستقل سیاسی به کانون سیاست و مبارزه علیه رژیم تبدیل شده بود.

عَلَم با ایجاد تغییرات ساختاری و بنیادی در دانشگاه مزبور ضمن حفظ سرپرستی دانشگاه در سال ۱۳۴۶ش از طرف شاه به وزارت دربار منصوب و تا پایان عمر به عنوان مشیر و مشار شاه و عالی‌ترین مشاور به شاه خدمت کرد. عَلَم سرانجام در ۱۴ مرداد ۱۳۵۶ش طی نامه‌ای که با جمله غلام خانه‌زاد! پایان یافته است بر اثر بیماری استعفا و در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ش در بیمارستانی در نیویورک درگذشت. مرگ عَلَم بزرگترین ضایعه زندگی شاه بود.

فرزاد سلیمانی

بهار ۱۳۹۷